



ویژه نامه انتخاباتی گفتمان انقلاب اسلامی

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

پنجشنبه ۲ خرداد ۱۳۹۲ شماره دوم



دوست داریم هاشمی و هاشمی ها دوست داشتنی بهانند

یک رقابت درون گفتنی

با اعلام خبر احراز صلاحیت ها علاوه بر خوشی ها و دلخوردگی ها شاید یکی از اصلی ترین مسائل، میزان مشارکت در انتخابات باشد. چیزی که همواره به عنوان برگ برنده نظام اسلامی در محافل بین المللی و مدعیان دموکراسی و مردم سالاری در دنیا شناخته شده است. جای شبهه نیست که اعتماد مردم به نظام اسلامی و مشارکت پرشور در انتخابات، اولا موجب سنگین تر شدن بار مسؤلیت فرد منتخب و ثانيا به عنوان یک فرصت برای نظام اسلامی به شمار می رود.

اما مسئله اصلی آن است که مشارکت پرشور لزوما به معنای وجود رقابت میان تفکرات و افرادی با اختلافات عمیق و ریشه ای در صحنه انتخابات نبوده و نیست؛ هر چند ممکن است در برخی مواقع افراد حاضر، رقابت های این چنینی با هم داشته باشند.

تاریخ سی ساله جمهوری اسلامی پر است از عرصه های تجلی مردم سالاری دینی که شاید کمتر جامعه ای را بتوان نظیر آن یافت به گونه ای که تقریبا به تعداد سال های پس از پیروزی انقلاب، برخوردار از رقابت انتخاباتی بوده است. با یک نگاه اجمالی به این تاریخ می توان به این مهم دست یافت که طی این سالیان، رقابت هر چند با حضور سلاقی مختلف فکری و سیاسی برگزار می شده اما در نهایت رأی همگان در سید نظام اسلامی تجمیم می شده است؛ فارغ از آن که شخص و جریان پیروز از کدام طیف باشد. خیلی از اوقات هم اتفاق افتاده که هر چند شخص یا جریان حاضر به ظاهر خود را پایبند به قانون و مبانی نظام اسلامی نشان دهد، اما به واقع موضع گیری ها و رفتاری خلاف آن داشته و عملا به گونه ای رفتار کند که دشمنان آشکار نظام اسلامی را به حمایت از خود فراخواند.

ادامه در صفحه ۴

را اخراجی نظام دانسته و در مقابل نظام قرارش دهند.

آن هایی که دل در گرو نظام دارند می دانند که این حرف ها جز از دهان مخالفان انقلاب و یا ناآگاهان خارج نمی شود. بنابراین شایسته است سخنان مقام معظم رهبری را در مورد ایشان و دیگر نامزدهای رد صلاحیت شده نصب العین قرار داده و تحت تاثیر فضاهای ساخته شده توسط رسانه ها قرار نگیرند.

دوست داریم هاشمی و هاشمی ها دوست داشتنی بهانند و برایمان سخت است که بخواهیم در برابر همین کسانی که سال ها از عمر و توان خود را پای انقلاب صرف کرده اند قرار بگیریم.

البته همان طور که انتظار می رفت و برخلاف برخی گمانه زنی ها، او هم تا به حال در برابر رأی شورای نگهبان خاضع بوده و طبق قانون عمل کرده است.

«آقای هاشمی را همه می شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسؤلیت های بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۶۳۳۱ - یعنی ۲۵ سال قبل - ایشان را از نزدیک می شناسم. آقای هاشمی از اصلی ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیر قبل از

نتایج احراز صلاحیت های شورای نگهبان اعلام رسمی شد و در لیست اعلام شده، نام خیلی ها نبود، از جمله نام هاشمی رفسنجانی. چنین امری فضا را آماده کرده است، تا مخالفین و معاندین نظام، از آب گل آلود ماهی بگیرند.

آقای هاشمی رفسنجانی، از شخصیت هایی است که تاریخ انقلاب را که ورق می زنیم، در هر برگش نام و نشانی از او وجود دارد. او یار دیرین امام است. با وجود اختلاف نظرهایش با امام، کاملا مورد اعتماد ایشان بوده است. پس از رحلت امام هم، با این که خیلی ها می خواستند بین او و رهبری اختلاف افکنی کنند، اما باز هم خود را در کنار رهبری حفظ کرده است. رهبری هم به وی اعتماد داشته و او را برای سمت مهم و حیاتی ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام انتصاب کرده اند.

اما گاهی خود و به خصوص اطرافیانش کار را خراب کرده و با گرفتن موضعی خلاف، آب به آسیاب دشمن می ریزند. یعنی اختلاف نظرها را به عرصه ی عمل می کشانند. اکنون هم پس از این که صلاحیت ایشان برای انتخابات ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان احراز نشده است، خیلی ها سعی می کنند فرصت را غنیمت شمرده و از این راه به انقلاب ضربه بزنند. با عناوینی نظیر این که «رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، رد صلاحیت شد.» می خواهند او

در نظام جمهوری اسلامی جایگاه شورای نگهبان



۱. شورای نگهبان از حیث اهمیت با هیچ دستگاهی در ساختار سیاسی و حقوقی ایران قابل مقایسه نیست. تجربه مشروطه نشان داد همه تلاش‌ها، شهادت‌ها و رنج‌ها بدون اصل پاسداری به انحراف کشیده خواهد شد. شیخ فضل‌الله با دقتی بسیار عجیب نسبت به آن هشدار می‌دهد و مدل اولیه شورا در مشروطه با متمم قانون اساسی شکل می‌گیرد. بعد از انقلاب در اصل ۹۱ قانون اساسی تعبیری بسیار بلند برای شورای نگهبان بیان می‌شود: «پاسدار احکام اسلام و قانون اساسی». پاسداری از این دو بخش مهم خود نشان از اهمیت آن دارد. شاید به جهت همین اهمیت است که در ترکیب آن نیز شش فقیه با نظر مستقیم رهبر انقلاب منصوب شده و شش حقوقدان

نیز با نظر رییس قوه قضاییه و در واقع رای غیر مستقیم ایشان و تایید مجلس، شورا را کامل می‌کنند.

۲. در اصل ۹۱ قانون اساسی، شرایط این خبرگان را بیان می‌کند: فقیه عادل، آگاه به مقتضیات مختلف و مسایل روز و درباره حقوقدان‌ها هم تأکید بر مسلمان بودن و معرفی از جانب شخص امینی. چون رییس قوه نشان‌دهنده اهمیت این شورا است. یکی از وظایف مهم این شورا، احراز صلاحیت‌هاست. مطابق ماده ۱۱۸ قانون اساسی ایران، نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری وظیفه شورای نگهبان است. در این شرایط و با توجه به اهمیت این انتخابات، حال معلوم می‌شود این چه سری داشت که انتخاب این‌ها با نقش مستقی. رهبری انقلاب شکل می‌گرفت. این دقت وجود داشته است که در مراحل حساس

جمهوری اسلامی، چون مجلس ششم و انتخابات و مسایلی از این دست، اصل نظام استوار مسیر خود را در پیچیدگی‌ها به پیش برده است.

۳. این جایگاه بلند است که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در مقام مؤسس و رهبری این انقلاب، مخالف با شورای نگهبان را مفسد می‌نامد، ولی مخالفت با دیگر نهادها و سازمان‌ها هرگز این گونه بازتاب نداشته است. نکته دیگر این که بر اساس بند نهم ماده ۱۱۰ قانون اساسی، وظیفه احراز صلاحیت درباره نامزدهای جمهوری را بر عهده دارد.

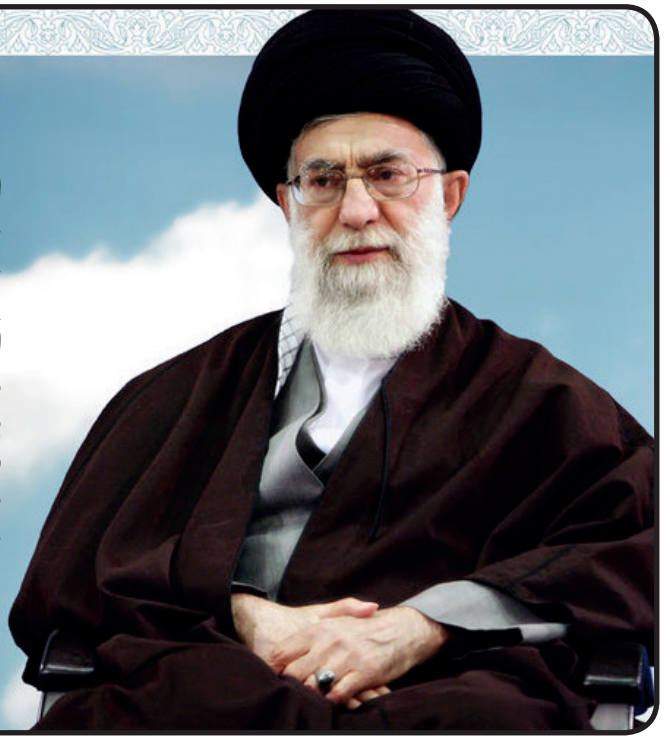
۴. این شورا با این پایه از اهمیت، نباید در معرض گزندهای سیاسی بیفتد.



همه آنهایی که تمکین نکردند

اولین جریانی که به رأی و نظر شورای نگهبان تمکین نکرد؛ سازمان مجاهدین خلق بود که به سبب رد صلاحیت «مسعود رجوی» انتخابات را تحریم کرد و آن را ظلمی بدین جریان تلقی نمود. این جریان که چندی بعد به مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی اقدام کرد، نتیجه شورای نگهبان را نپذیرفت و البته پس از انتخابات به رئیس جمهور منتخب تمایل پیدا کرد. اما در نهایت و پس از آشکار شدن ماهیت حقیقی‌شان و برافتادن پرده‌های نفاق‌شان توسط

مردم طرد و به دشمن اصلی مردم تبدیل شدند. اما در سال ۴۶ گروهی که در ابتدای انقلاب زمامدار حکومت بودند با رد صلاحیت نخست وزیر دولت موقت روبرو شدند. این گروه که قبلاً نیز در سال ۰۶ به مخالفت با احکام اسلام برخاسته بود، این بار نیز در مخالفت با رأی شورای نگهبان با هماهنگی با خارج از کشور سعی در فشار بر نظام داشت که البته این خواسته نیز به جواب نرسید و نظام اسلامی اقتدار خود را به رخ



این را من اعلام می‌کنم، همه‌ی افراد بدانند؛ اینهایی که رد صلاحیت می‌شوند، لزوماً آدم‌های بی‌صلاحیتی نیستند. اینجور خیال نشود که حالا چون فلانی در انتخابات رد صلاحیت شد، پس دیگر بکلی از صلاحیت ساقط است؛ نه، طبق قانون، در انتخابات نمی‌تواند به عنوان نامزد شرکت کند، اما ممکن است مقامی که او را رد صلاحیت کرده، اشتباه کرده باشد. ممکن است برای این کار صلاحیت نداشته باشد، اما صلاحیت‌های فراوان دیگری داشته باشد. این جور نباشد که اگر کسی رد صلاحیت شد، این معنایش این باشد که او دیگر از هستی ساقط شد؛ نه، صلاحیت‌های گوناگون دیگری وجود دارد.

۹۰/۱۱/۱۴

وقتی همه باید تکمین کنند

در صورتی که اختلافی میان خواسته‌ها و حکم وضع شده نباشد، تکمین به قانون و حکم رهبری معنی ندارد. در واقع تکمین هنگامی مطرح می‌شود که این اختلاف وجود داشته باشد.

۱. یازده نفر دور یک میز نشستند و روبروی هر کدام یک صفحه نمایش و یک میکروفن قرار گرفته. میکروفن‌ها روشن و خاموش می‌شوند و افراد دور میز با هم بحث می‌کنند. تصویری که توی ذهن ما از شورای نگهبان شکل گرفته خیلی وقت‌ها محدود به همین تصاویر محدود بالاست. همان‌هایی که از صداوسیما وقتی اخبار مربوط به شورای نگهبان در حال پخش شدن است، منتشر می‌شود.

مهلت ده روزه شورای نگهبان برای احراز صلاحیت داوطلبان کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری به پایان رسید. یک بار دیگر همین چند کلمه قبل را مرور کنیم؛ «احراز صلاحیت»، «داوطلبان». یک روند عقلانی و قانونی برای رسیدن به سطحی از رقابت که در شأن پست ریاست جمهوری باشد. طبیعی است جمعی از عقلا - که در قانون اساسی کشور ما به ۶ نفر مجتهد خبره و ۶ نفر حقوق‌دان عالی‌رتبه تعبیر شده است - وظیفه تشخیص صلاحیت‌ها را بر عهده داشته باشند. این نهاد قانونی که با نظر مشترک رهبر انقلاب، رئیس قوه قضائیه و نمایندگان مجلس تشکیل می‌شود، احتمال اندکی را برای خطا در احراز صلاحیت‌ها باقی می‌گذارد، با این حال، امکان خطا و اشتباه نیز وجود دارد.

۲. فرض بالا را در نظر بگیریم؛ یعنی «احتمال» خطا در تشخیص صلاحیت. مصوبه سال ۸۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص رسیدگی به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده راهکارهای قانونی را پیش‌بینی کرده است. راهکار محتمل دیگر رجوع به مرجع عالی‌تر، یعنی رهبر انقلاب است. در گذشته نیز درخواست‌هایی مبنی بر تأیید صلاحیت افراد پس از نظر شورای نگهبان به رهبری ارجاع داده می‌شد. نامه دکتر «حداد عادل» به رهبر انقلاب در سال ۴۸ که منجر به تأیید صلاحیت آقایان «مهرعلیزاده» و «معین» از سوی رهبر انقلاب شد، نمونه‌ای از این درخواست‌هاست.

البته امکان دارد گاهی اشخاص حقوقی نظام نیز با رأی صادر شده توسط شورای نگهبان مخالفتی داشته باشند. اختلاف نظر طبیعت یک حیات سیاسی است. به زعم نگاه غیر حقوقی نگارنده، ارجاع حل این اختلاف به رهبر انقلاب هرچند عدم تکمین به رأی حقوق‌دانان شورای نگهبان محسوب می‌شود، اما عدم تکمین از چهارچوب‌های قانونی نظام محسوب نمی‌شود. چرا که رهبر انقلاب به عنوان بالاترین مقام کشور، فصل‌الخطاب نیروهای انقلاب است. البته پر واضح است که با وجود چنین راهکارهای قانونی، القای فشار و ایجاد ناامنی روانی به وسیله رسانه‌ها

و جرایم در میان مردم و همچنین پیش‌داوری درباره رأی رهبری به طور حتم نوعی برهم زدن قواعد بازی و بداخلاقی سیاسی خواهد بود.

۳. بیایید چند قدم بعد از مرحله قبل را تصور کنیم. اعتراض ارجاع داده شده به رهبر انقلاب، یا پاسخی متناسب با درخواست معترض خواهد داشت و یا خلاف آن. نکته‌ی قابل تأمل اینجاست که اگر نظر رهبری به عنوان فصل‌الخطاب با نظر ما متفاوت بود، رفتار ما چگونه خواهد بود؟ با نگاه نگارنده به مرحله قبل، عدم تکمین به رأی رهبری قطعاً عدم تکمین به قانون خواهد بود. قانونی که هیچ کس حق زیر پا گذاشتن آن را ندارد.

در نگاه امام خمینی (ره) این قانون است که صلاحیت ما را تعیین می‌کند و نه بالعکس. در صورتی که اختلافی میان خواسته‌ها و حکم وضع شده نباشد، تکمین به قانون و حکم رهبری معنی ندارد. در واقع تکمین هنگامی مطرح می‌شود که این اختلاف وجود داشته باشد. کاری که بسیاری از داوطلبان کاندیداتوی ریاست جمهوری یازدهم به درستی آن را انجام دادند و از دیگرانی که به هر نحوی مسئولیتی در جمهوری اسلامی داشته‌اند و خود به سبب همین قانون، سعادت خدمت‌گزاری مردم را پیدا کرده‌اند، بیش از پیش انتظار می‌رود.

سیاسی طرد خواهند نمود و از سوی دیگر به نظر می‌رسد شورای نگهبان به عنوان یک نماینده مردمی سبب می‌شود تا انتخاب به سمت معقول‌شدن هدایت شود؛ چرا که قاطبه مردم خود نه توان این احراز صلاحیت از میان انبوهی از نامزدها را داشته و نه از نظر اخلاقی صحیح است که به تمامی اطلاعات محرمانه و پنهان افراد دست پیدا کنند.

خللی در اجرای انتخابات ایجاد کند. این گروه و جناح سیاسی نیز پس از اقدامات مستقیم‌شان در جریان فتنه ۸۸ سرانجام در ۹ دی ۸۸۳۱ از سوی مردم تشییع و به تاریخ سپرده شدند. با نگاهی اجمالی به این موارد تاریخی آن چه باید در نظر داشت این است که مردم هر آن کس را که برخلاف قانون عمل کند و به چهارچوب‌های قانونی تکمین نکند، از صحنه

برای انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی، نمایندگان مجلس ششم که اکثراً به دلیل عمل خلاف منافع ملی رد صلاحیت شده بودند، اقدام به تحصن کرده و از سوی دیگر در همین راستا تعداد زیادی از استانداران برای همراهی با هم‌حزبی‌های خود استعفا دادند. اما این فشارها نیز نتوانست ره به جایی برده و تغییر در نظر قانونی شورای نگهبان و یا

کشید. این گروه نیز به گونه‌ای از سوی مردم طرد شدند که بعدها دیگر در هیچ جایی از صحنه سیاسی کشور قرار نگرفتند.

سومین جریانی که رأی شورای نگهبان را نپذیرفت و با اقداماتی همچون تحصن و استعفا‌های دسته جمعی سعی در فشار بر این نهاد داشت، طیف افراطی منتسب به جریان اصلاحات بود. با اعلام نتایج احراز صلاحیت‌ها



شهید حسن باقری:

بدانید هر رأی که شما به صندوق می‌ریزید، مشت محکمی است که به دهان ضد انقلاب و اربابان آمریکایی می‌زنید و یک قدم او را وادار به عقب‌نشینی می‌کنید.

ادامه از صفحه ۹:

در نهایت نیز همان‌ها با پذیرفتن قواعد رقابت در چارچوب نظام اسلامی البته نوعی از یک رقابت درون نظام و درون گفتگمانی را رقم می‌زده‌اند. آن‌چه شاید امروز در عرصه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم شاهد آن باشیم گونه‌ای عالی‌تر از یک رقابت درون گفتگمانی و فارغ از جدل‌ها و هیاهوهای بیهوده سیاسی باشد. به نظر می‌رسد نظام اسلامی به این سطح از بلوغ رسیده باشد که عرصه رقابت را میان کسانی تعریف کند که به تمامی مبانی و آرمان‌های والای ملت از عمق جان پایبند بوده و تمام هم خود را صرف نیل به آن‌ها کنند، هرچند از حیث شیوه و روش با دیگری اختلاف نظر داشته باشند. شاید پس از سی و چهار سال، دیگر وقت آن رسیده باشد که در رقابت‌های انتخاباتی بیش از آن که فرصت‌ها و مباحث میان جریان‌های مختلف، به اعتقاد یا عدم اعتقاد به مبانی

و خطوط قرمز نظام از پیروی و تبعیت از اصل ولایت فقیه گرفته تا ایجاد رابطه با امریکا و به رسمیت شناختن اسرائیل و... بگذرد، صرف برنامه‌ها و راهبردهای کلان و خرد برای رسیدن به پیشرفت و اعتلای ایران عزیز و نیل به اهداف سند چشم‌انداز شود. این گونه است که رشد و پویایی در نظام اسلامی به معنای کلمه محقق خواهد شد و افراد، فارغ از سیاسی‌بازی و بانددگرایی صرفاً به خاطر برخورداری از کارآمدی و توان اداره کشور و تکیه بر نظرات کارشناسی شده بتوانند بار مسؤلیت را به دوش کشند. پس از اعلان احراز صلاحیت‌ها، مسئله مشارکت همان چیزی است که این روزها به زعم برخی که تلاش می‌کنند با تمثیل آن به استادیوم خالی در صورت نبود هر یک از تیم‌های استقلال و پیروزی، یک تهدید برای کشور به حساب آورند، می‌تواند سرآغاز فرصت‌های بسیاری پیش روی ملت ایران باشد؛ عصر جدیدی از رقابت‌های درون گفتگمانی.

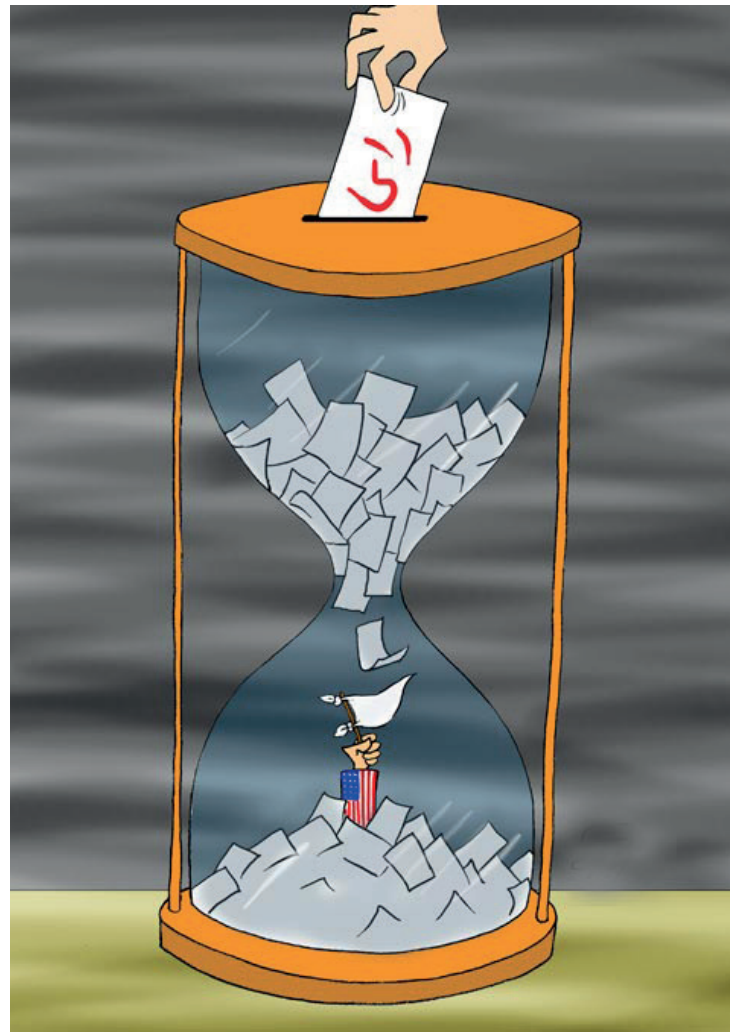


رسانه‌های به بالاترین حد خود رسیده بود و بازار شایعات رونق گرفته بود - و این خود امتحانی بود برای مؤمنان - که بالاخره شورای نگهبان نظر نهایی خود را اعلام کرد: ۸ نفر احراز صلاحیت شدند؛ تمام. کاملاً مشخص بود که به مرّ قانون عمل شده و مصلحتی در نظر نبوده است؛ ترسی هم در کار نبوده. این را از عدم احراز صلاحیت عده‌ای که از بزرگان بوده‌اند و یا حامیان بزرگی داشته‌اند، می‌شد فهمید. و این‌گونه اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی به رخ همگان کشیده شد. امام هم انگار این روزها را دیده بودند: «خدا را در نظر بگیرید. اصولاً آن‌چه باید در نظر گرفته شود خداست، نه مردم. اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آن‌ها حرفی می‌زنند که خلاف حکم قرآن است، بایستید و حرف خدا را بزنید، و لو اینکه تمام بر شما بشورند...» و به حق اینان سربازان گوش به فرمان ولایت‌اند که فقط خدا را در نظر دارند و دیگر هیچ!

حال که به گذشته نگاه می‌کنم، سرّ این همه حمله علیه شورای نگهبان و به ویژه حضرت آیت‌الله جنتی را بیشتر درک می‌کنم. اینان آن چنان محکم پای این انقلاب ایستاده‌اند که همه این حملات و فشارها ذره‌ای در اراده‌شان در ماندن بر حق تأثیری ندارد. دشمن و ضد انقلاب از اینان زخم دیده و ناامید شده است؛ و چاره‌ای ندارد جز به نیش و کنایه. خدا حفظتان کند برای این انقلاب که واقعاً روسفیدمان کردید؛ این شاء‌الله...

دشمن و ضد انقلاب از شما زخم دیده است!

ده روز بسیار سخت بر شورای نگهبان گذشت. از همان ابتدای ثبت‌نام کاندیداها، فشار بر روی شورا شروع شد و با نزدیک شدن به روزهای پایانی مهلت شورای نگهبان برای احراز صلاحیت‌ها، روز به روز بر این حمله نیز افزوده شد. شاید تنها نقطه‌ای بود که هم از خارج و هم از داخل مورد حمله قرار می‌گرفت؛ هم از دشمنان انقلاب و هم از دوستان! همه تلاش‌شان بر این بود که نظر خود را بر آن تحمیل کنند. انگار تبدیل شده بود به تنگه احد و اینان عده‌ای قلیل و سرنوشت انقلاب بسته به عملکردشان. حضرت آقا فرموده بودند که به «مرّ قانون» عمل شود، ولی در بین دل‌سوزان انقلاب نیز مطرح شده بود که شورای نگهبان مصلحت را هم در نظر گیرد؛ به خصوص با وجود بزرگانی که عدم احراز صلاحیت‌شان کار هر کسی نبود! حمله



ویژه نامه انتخاباتی گفتگمانی انقلاب اسلامی؛ فتح

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیرمسئول: سید مرتضی احمدزاده / جانشین مدیرمسئول: سید محمدحسین هاشمی گلپایگانی
سردبیر: محمدحسین فیضی پور / همکاران این شماره: علی فروغی، عبدالحمید بیات، مجید صادقی، سید محمدحسین ضیایی بافقی، علی سلیمانی، مصطفی موسی پسندی، مسعود حسنلو